

## مطالعه تطبیقی پارچه های مورد استفاده در لباس زنان دوره صفوی و قاجار با استفاده از نرم افزار SPSS<sup>۱</sup>

نویسنده اول (فاطمه دهقانی)<sup>۲</sup>

نویسنده دوم (ابوالفضل داودی رکن آبادی)<sup>۳</sup>

نویسنده سوم (ابوالقاسم دادور)<sup>۴</sup>

### چکیده:

یکی از درخشان ترین دوره های صنعت پارچه بافی از آغاز تاریخ دوره صفوی بوده و بهترین نوع پارچه ها برای پوشاک زنان استفاده می شده است. در این دوره با استفاده از مواد مناسبی که در کارگاههای بافندگی تهیه می شد، نه تنها عقب ماندگی های کشور در عرصه پارچه بافی جبران شد بلکه بر اثر حمایت شاهان صفوی از هنرمندان و صنعتگران هنر پارچه بافی را در سراسر این دوره بی نظیر ساخت به گونه ای که دولت ایران در آن روزگار مقداری زیاد پارچه به کشورهای اروپایی صادر می کرد. در دوره قاجار پادشاهان خیلی به صنعت نساجی بهاء نمی دادند و باعث شدند تا این صنعت اهمیت خود را از دست بدهد. در این دوران صادرات ابریشم فقط به صورت خام انجام می شد، و پارچه های ابریشمی، شال کشمیر نخ، و غیره از کشورهای اروپایی به ایران وارد می شده است. پژوهش حاضر برآن است تا با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای در عرصه منسوجات این دو دوره به ارزیابی و مقایسه تطبیقی پارچه های مورد استفاده زنان در لباس با استفاده از نرم افزار آماری بپردازد. یافته های تحقیق نشان می دهد که: پارچه زربفت بیشترین مصرف را در دوره صفوی و پارچه مخمل و ابریشم بیشترین کاربرد را در دوره قاجار داشته اند. با در نظر گرفتن نتایج تحلیل های آماری به دست آمده می توان گفت: هر سه نوع این پارچه ها در دوره قاجار از دوره صفوی تاثیر پذیرفته اند.

### اهداف مقاله:

- ۱- شناسائی پارچه های مورد استفاده در پوشاک زنان در دوره صفوی و قاجار
- ۲- بررسی میزان تاثیر پذیری پارچه های لباس زنان قاجار از پارچه های لباس زنان صفوی

### سوالات مقاله:

- ۱- چه ارتباطی بین پارچه های لباس زنان در دوره صفوی و قاجار وجود دارد؟
- ۲- چه تعداد از پارچه های لباس زنان قاجار و زنان صفوی با یکدیگر ارتباط دارند؟

<sup>۱</sup> مقاله پیش رو، برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد فاطمه دهقانی با عنوان "مطالعه تطبیقی پوشاک بانوان صفوی و قاجار" به راهنمایی دکتر ابوالفضل داودی رکن آبادی، دکتر ابوالقاسم دادور در دانشگاه آزاد اسلامی یزد است.

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه پژوهش هنر، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

fatemeh.dehghany13@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار، گروه پژوهش هنر واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

<sup>۴</sup> دانشیار، گروه پژوهش هنر، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

۳- زنان از پارچه های مورد استفاده در لباس از هر یک چند درصد استفاده می کردند؟

**کلید واژگان:** پارچه، لباس زنان، صفوی، قاجار

#### مقدمه:

مطالعه تاریخ نشان می دهد که منسوجات و پوشاک ارتباط مستقیمی با هم دارند و هر دو کامل کننده یکدیگر هستند با رشد صنعت نساجی و پیشرفت منسوجات و پارچه بافی، لباس ها نیز از تنوع بسیاری برخوردار شدند، که این امر برای بسیاری از افراد علی الخصوص خانم ها اهمیت ویژه ای داشت. یکی از مهم ترین این دوران ها عصر صفوی است، که امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاصل از تشکیل دولت قوی و با اقتدار، زمینه ی رشد و شکوفائی کشور را در عرصه های مختلف فرهنگی و هنری فراهم آورد که در این میان، هنر پارچه بافی از هنرهای شاخص این دوران به شمار می آید. (هدایتی، شایسته فر، ۱۳۸۹، ۵۷) شاه اسماعیل تولید انواع پارچه های ابریشمی و نخی را تشویق کرد، و مراکز صنعتی تازه بر پا ساخت، و تجارت با ترکیه و هندوستان و چین را توسعه داد. از دوره شاه تهماسب جانشین وی (۹۳۰ تا ۹۸۴) ابریشمینه های ممتاز بر جا مانده است؛ و پارچه های زری و اطلس و مخمل، همراه با قالی های ابریشمی را به دیگر نقاط صادر کرد. (فریه، ۱۳۷۴، ۱۵۹) در این دوره لباس ها مجلل گشتند و تا مدت ها ی زیاد پارچه های گرانبها چه از لحاظ طرح و چه از لحاظ رنگ، مهم ترین ویژگی پوشاک ایرانیان محسوب می گردید. (متین، ۱۳۹۱، ۴۹) شاه عباس سازمان ابریشم بافی کشور را شخصا زیر نظر گرفت، که به صورت نظام پارچه بافی طراز بود؛ و صنعتی مهم از آن به وجود آورد، ضمن اینکه تجارت را تحت سرپرستی دولت قرار داد و بدان رونق بخشید. (فریه، ۱۳۷۴، ۱۵۹) دلاواله در مورد پوشش زنان در دوره ی شاه عباس اول صفوی بیان می کند که: «در داخل خانه لباس زنان ساده است، منتهی از پارچه های قیمتی ابریشمی با تار و پود طلایی بافته شده و دارای نقش های زیبایی است. (دلاواله، ۱۳۷۰، ۱۴۶-۱۴۷) پوشاک ایرانیان اغلب از پارچه های زربفت، اطلسی ضخیم، توری و یراق های زرین و سیمین، قلاب دوزی های تهیه می شده است و برخی از پوشاک را نیز با پوست های گرانبها تزیین می کرده اند. (ضیاء پور، ۱۳۴۶، ۱۷۴) در این دوره انواع پارچه های ابریشمی، زری، مخمل، ترمه، قلمکار و نیز انواع دوخته دوزی روی پارچه در کارگاه های پارچه بافی اصفهان، یزد، کاشان، کرمان، هرات، مشهد، رشت، تبریز، و قم انجام می شد که هر یک از مراکز مذکور در تهیه نوع یا انواعی از پارچه معروفیت داشتند. (روح فر، ۱۳۹۴، ۳۹) از سقوط سلسله صفوی به بعد تحولی در صنعت پارچه بافی روی نداد و به تدریج پارچه بافی رو به رکود نهاد. تا اینکه در دوره قاجار و پادشاهی ناصرالدین شاه و رفت و آمد های پی در پی با اروپائیان لباس و پارچه های اروپائی در ایران رواج پیدا کرد و از استقبال بسیاری برخوردار شد و صنعت پارچه بافی ایرانی نیز به رکود رفت. روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است. این مقاله بر اساس تعداد لباس های مورد استفاده زنان در دوره های صفوی و قاجار به درصد ها و میزان استفاده از پارچه ها در هر دو دوره پرداخته و مستقل بودن و رابطه آن ها با یکدیگر را با استفاده از نرم افزار تحلیلی SPSS و آزمون آماری کای اسکوئر نشان می دهد. در ادامه، نخست به طور مختصر کلیاتی را درباره پارچه های دوره صفوی و قاجار بیان کرده و سپس با استفاده از جداول تحلیلی به آزمون ها پرداخته می شود.

### انواع پارچه های مورد استفاده در دوره صفوی:

**ابریشم:** هنر نساجی عصر صفوی را باید در صنعت ابریشم بافی متجلی دانست. پارچه های ابریشمین این دوره به سه صورت ۱- حریر ساده ۲- ابریشم زربفت ۳- مخمل ابریشمی می باشد که راهی بازار های داخلی و خارجی می شد. مصارف این پارچه ها گذشته از البسه درباریان، در پرده و لباس های خلعتی اهدایی به نمایندگان و یا سران کشورهای دیگر بود. مراکز عمده تولید این پارچه ها، اغلب کارگاه های سلطنتی موجود پایتخت و دیگر مراکز مانند: گیلان (بوپژه رشت)، یزد، شیروان، کاشان، مشهد و استرآباد بود. (میراحمدی، ۱۳۷۱: ۲۴۱)

**مخمل:** یکی از بهترین پارچه بافت ایرانیان در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم مخمل بود و کاشان نیز به عنوان مرکز اصلی بافت این پارچه شهرت داشت که از دیدگاه رنگ و بافت بسیار عالی است. (احمدی، ۱۳۶۳: ۱۳۸) در یزد هم کارگاه مخمل بافی رواج داشت و مخمل های عنابی پر رنگ یزد در آن روزگار بسیار پرآوازه بود و خریدارانی زیاد داشت. (رضایی، ۱۳۷۸: ۲۶۲) پارچه مخمل به صورت یک رو یا دو رو تولید می شود که می توانست سراسر پرز دار یا برخی از نواحی آن پرزدار باشد. پرز های پارچه می توانند به تعداد نخ های تار، رنگ های مختلفی داشته باشند. (طالب پور، ۱۳۹۳: ۱۴۰)

**اطلس:** پارچه اطلس بیشتر برای پرچم های اهدایی حکومت ایران به دولت های دیگر، پرده و یا پوشش اماکن مقدسه وقف مورد استفاده قرار می گرفت.

**زری:** دلاواله در سفرنامه اش آورده است که: «پارچه ای به نام زربفت یا میلک در کاشان بافته شده که در تار و پود این پارچه طلا یا نقره و گاهی نیز هر دو به کار رفته است. این پارچه ها در ایران منحصرأ از طرف زنان مصرف می شود.» (دلاواله: ۱۳۷۰: ۱۴۱)

**چند تایی:** پارچه ای است که در آن دو یا چند پارچه ساده را چنان درهم می بافند که گویی هر یک مستقل است، اما طوری با هم جور شده اند که طرح گل و بته را برجسته و روشن جلوه می دهند. خواجه غیاث الدین با در آمیختن سه پارچه به رنگ های سبز، سرخ، سفید، قاب هایی ایجاد کرد، که در آن ها نه تنها گل های ظریف و پرندگان و جانوران طبیعی، بلکه نقش شاهزاده جوانی را در حال استراحت در باغ نشان داده است. (شریفی مهرجردی، ۱۳۹۲: ۱۰۴)

**قلمکار:** ایرانی ها به جهت رقابت با چینی ها و هم چنین به منظور جلب نظر خوانین آن دوره دست به ابتکاراتی زدند از جمله: ابداع نقاشی روی پارچه یا به اصطلاح اختراع پارچه قلمکار است، که در دوره صفویه این هنر گسترش فراوانی پیدا کرد و اوج ترقی این رشته هنری بود. به تدریج در دوره های بعدی کارگاه های متعدد پارچه های قلمکار یکی پس از دیگری تعطیل گردیدند. (علائی، ۱۳۴۸: ۴۹)

**ترمه:** چنین به نظر می رسد که بافت ترمه به عنوان یکی از ظریف ترین و زیباترین محصولات دستباف کشورمان از اوایل دوره صفویه در ایران رواج یافته است، زیرا قبل از این دوران آثاری از ترمه های ایرانی بر جای نمانده است. ترمه پارچه یی ظریف است که از کرک یا پشم یا ابریشم طبیعی بافته می شود. از ترمه به عنوان پرده یی، بقچه، رومیزی، جا نماز و نیز در تهیه انواع لباس های زیبا استفاده می گردد. (یاوری، ۱۳۹۲: ۱۰۳-۱۰۵)

**شال ترمه:** ایرانیان به شال های ترمه علاقه خاصی داشتند، بزرگان این کشور لباس خود را بیشتر از ترمه تهیه می کردند. اغلب این شال ها در کرمان بافته می شد و نساجان کرمانی آنها را با دست می یافتند تا و پود شال از موی بز و مانند ابریشم نرم و براق است. یک نوع شال دیگری هم در کرمان می بافند و آن را سلسله می گویند. زمینه این شال ساده است و زنان با سوزن و نخ پشمی نقش های زیبایی در روی آن به وجود می آورند. مارکوپولو، سیاح معروف که در قرن هفتم کرمان را دیده اینگونه توصیف کرده که « زنان و دختران این شهر در روی پارچه شال، با ابریشم گلدوزی می کنند و صورت مرغان و حیوانات و اشجار گوناگون و گل ها را به طرز خوش نمایی بر روی پارچه پشمی مجسم می نمایند این پارچه های گلدوزی شده به اندازه های ممتاز و جالب است که در میان ثروتمندان دست به دست می گردد و برای پرده، روبالش، رویه لحاف و غیره به کار می رود. » (رضایی، ۱۳۷۸، ۲۷۳)

#### انواع پارچه های مورد استفاده در دوره قاجار:

**قلمکار:** پارچه های قلمکار در این دوره بیشتر برای پرده، سفره و رویه لحاف و لباس به کار می رود و تقریباً نقش های آن مشخص و ثابت است. (تاجبخش، ۱۳۸۲: ۱۰۶)

**ابریشم:** از دوره قاجار تعدادی پارچه ابریشم با اسامی مختلف موجود است که این اسامی بر اساس نوع و مرغوبیت الیاف ابریشم و نوع تابیدن الیاف و بیش از همه بر اساس فن و تکنیک بافت، طبقه بندی و نام گذاری شده اند. (روح فر، ۱۳۹۱: ۱۰) مهم ترین مراکز تولید و پرورش ابریشم گیلان، مازندران، خراسان، آذربایجان، یزد و کاشان بودند. در گیلان و مازندران تقریباً در همه خانه ها ابریشم تولید می شد. ابریشم خام ایران سه درجه داشت: درجه اول را که بهترین نوع پود "ابریشم" درجه دوم "کرک" و درجه سوم "گارس" می نامیدند. (لمبتون، ۱۳۷۵: ۱۵۵) در مورد محبوبیت پارچه های ابریشمی در زمان فتحعلی شاه چنین آمده است که: "پارچه ابریشمی ممتاز منحصر به ایران بود و از این راه هر ساله مبلغی گزاف عاید مملکت می شد. از بی اطلاعی خلق و بی مواظبتی دولت همچو بردند که... تخم ابریشم را محتاج شدیم و از خارج خریدیم." ابریشم در دوره قاجار بیشترین صدمه را دید زیرا به جای صدور بافته های ابریشمی، ابریشم خام صادر می شد و در عوض منسوجات ابریشمی از خارج وارد می گردید. (طالب پور، ۱۳۹۰: ۸۱)

**مخمل:** بافت مخمل در دوره قاجار از تنوع ویژه ای برخوردار شد که عبارت بودند از: بافتی به نام مخمل گل برجسته<sup>۱</sup> و مخمل موج دار<sup>۲</sup>. (روح فر، ۱۳۹۱: ۲۹-۳۰) مخمل های ابریشمی ممتازی نیز در شهر کاشان تولید می شدند که به نام "حسین قلی خانی" معروف بودند. (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۶۹)

**ترمه:** در دوره قاجار انواع پارچه های ترمه پشمی تولید می شد که نقوش آن ها بیشتر شبیه به نقوش پارچه های دوره صفویه بود. وجود این پارچه ها ثابت می کند که آن ها را از روی پارچه های اوایل دوره صفوی بافته اند. ترمه را برای کاربرد های مختلفی می بافتند، مانند: چارقد، رویه لحاف، سفره، پرده، جانماز و شال کمر. (طالب پور، ۱۳۹۰: ۸۰)

**شال:** از بین پارچه هائی که برای لباس به کار می آید ایرانی ها شال را از همه بهتر می شمارند، این پارچه حتی در معاملات پول نقد در جریان است. بهترین نوع پارچه شال توسط کاروان ها از کشمیر وارد می شود؛ اما جنس های با کیفیت پایین تر را در کرمان و مشهد می بافند. شال نه تنها در لباس مردان و زنان بلکه در عمامه و شال کمر، برای نگاه داشتن لباس، در حاشیه دوزی، برای پوشش فرش ها در اتاق های مجلل حرمسرا، پرده و غیره نیز مصرف دارد. (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۱۱)

**پنبه ای:** تعدادی پارچه پنبه ای از دوره قاجار باقی مانده که تحت عنوان کلی پارچه های کتانی، متقال، کرباس نام گذاری شده اند. این پارچه ها که شیوه بافت آن ها با یکدیگر متفاوت است عمدتاً جهت نقاشی روی پارچه و یا دوخته دوزی به کار رفته اند. ولی بر اساس سندی که مربوط به پارچه های صادراتی ایران به روسیه است آماری از اسامی مختلف پارچه های پنبه ای ذکر شده است. این مجموعه صادراتی جمعاً شصت قطعه پارچه بوده است. (روح فر، ۱۳۹۱: ۱۵)

**زری:** بافت پارچه زری تا زمان ناصرالدین شاه در ایران معمول بود و پس از آن به علت ورود پارچه های ابریشمی از کشورهای خارج این صنعت کم کم متروک گردید. (تاجبخش، ۱۳۸۲: ۱۰۵) تا اینکه پس از تشکیل مدرسه «صنایع مستظرفه» هنرمندان این فن از گوشه و کنار، به ویژه کاشان فرا خوانده شدند و با ممارست به بافتن زری پرداختند. اصفهان، ایبانه، یزد و کاشان در گذشته همواره از مراکز عمده زری بافی در ایران و محل تجمع هنرمندان، طراحان و استادان این رشته از «هنر-صنعت» کشورمان بوده است و از مراکز فوق همواره بهترین و ارزنده ترین پارچه های زری تولید و به دیگر نقاط جهان صادر می شده است و از این میان یزد یکی از شهرهایی بود که تولید زری آن بسیار ممتاز بوده است. (عناویان، ۱۳۸۶: ۲۳۰-۲۳۱)

#### پارچه های مورد استفاده در لباس زنان دوره صفوی:

تن پوش زنان مرفه و درباری در دوره ی صفوی بستگی به مقام و ثروت و منصب همسرانشان داشت. و چون در زیر فشار مقامات عالی رتبه و متنفذ بودند آزادی های نسبی که در عهد مغول به دست آورده بودند از دست دادند ولی اجزاء اصلی پوشاک زنان عادی از هر طبقه ای که بودند تقریباً یکی بود، با اختلاف جزئی در جنس پارچه و تزییناتی که برای آن قایل بودند. (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۵۶) در زمان شاه طهماسب، لباس ها مجلل گشتند، و بیش از پیش تنگ و چسبان شدند، و تا مدت ها ی زیاد پارچه های گرانبها چه از لحاظ طرح و چه از لحاظ رنگ، مهم ترین ویژگی پوشاک ایرانیان محسوب می گردید. (متین، ۱۳۹۱: ۴۹) پوشاک ایرانیان اغلب از پارچه های زربفت، اطلسی ضخیم، توری و یراق های زرین و سیمین، قلاب دوزی های تهیه می شده است و برخی از پوشاک را نیز با پوست های گرانبها تزیین می کرده اند. (ضیاء پور، ۱۳۴۶: ۱۷۴)

**پیراهن و زیر پیراهنی:** دلواله در مورد پوشش زنان در دوره ی شاه عباس اول صفوی بیان می کند که: «در داخل خانه لباس زنان ساده است، منتهی از پارچه های قیمتی ابریشمی با تار و پود طلایی بافته شده و دارای نقش های زیبایی است. (دلواله، ۱۳۷۰: ۱۴۶-۱۴۷) همچنین در بعضی از تصاویر می بینیم که زنان در زیر پیراهن های اصلی

(زیر پیراهنی هایی) به صورت ساده و ابریشمی، دارای یقه گرد، که در دور گردن لبه دوزی شده است استفاده می کردند.

**ردا یا مانتو:** زنان بر روی قباهايشان ردا هایی بر تن می کردند که اغلب جلو باز با آستین های کوتاه بوده است و بدون کمربند مورد استفاده قرار می گرفت. (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۶۱) این رداها معمولاً از پارچه های زربفت تهیه می شد که اغلب یقه هفت، و جلو باز بود و از گردن تا کمر پر از دکمه و جا دکمه بود که همه آن ها را نمی بستند و حالت تزیینی داشته است.

**شنل:** در اوایل دوره صفوی، زنان روپوش گشاد و بلندی می پوشیدند، که از پارچه های زری و ابریشم تهیه می شد. جلوی آن باز بود و دو آستین خیلی بلند داشت که در پهلوی آستین ها دو سوراخ تعبیه شده بود، که دست ها را از آن بیرون می آوردند.

**جلیقه:** زنان در زمستان جلیقه ای بر روی پیراهن می پوشیدند که کاملاً زیر قبا قرار می گرفت و چون کوتاه است معمولاً دیده نمی شود. که از نخ پنبه ایی بافته شده و غالباً رنگین و دارای نقش و نگار مختلف است. و آن از داخل هم مختصری پنبه دوزی می کنند. (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۶۱)

**ارخالق:** زنان نیم تنه زر دوزی شده که بسیار زیبا می باشد می پوشند، آستر نیم تنه از پوست سمور است و در زمستان نیم تنه آستین دارد و در تابستان بدون آستین می باشد. « (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۲۴)

**کلیجه:** نیم تنه چسبانی بود که دامن بلندی داشت و زیر قبا پوشیده می شد گاهی بلندی دامن این کلیجه ها به اندازه دامن قباها بوده است. کلیجه های کوتاهی نیز در موزه ی رضا عباسی از این دوره به جای مانده که از پارچه های ابریشمی و زربفت تهیه می شد و احتمالاً روی قبا یا پیراهن می پوشیدند. (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۶۲)

**شال کمر:** زنان نیز مانند مردان بر روی قبا و نیم تنه خود از شال کمر استفاده می کردند. این شال ها معمولاً از تکه پارچه های ابریشمی و مخمل به پهنای بسیار زیاد و هم رنگ یقه و دکمه های لباس می باشند. گاهی نیز از دو رنگ پارچه در آن استفاده می شد، که آن را چین داده و در قسمت جلوی یا در پهلوی قبا آن را به صورت شل می بستند. در کتاب نگار زن آورده شده است که: زنان از روی قبا در کمرگاه، اغلب شال های ابریشم و ترمه می بستند. (انجمن بین المللی زنان در ایران، ۱۳۵۲: ۵)

**تنبان:** برخی پوشاک از جمله تنبان در این دوره معمول گردید در حالی که پیش از آن وجود نداشته است. قد تنبان، همانطور که تا قوزک پا می رسد. " ولی، ساقها بلندتر، و تنگتر، ضخیم تر می باشند چون بانوان هرگز جوراب به پا نمی کنند". (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۱۶۷-۱۶۵)

**شلوار:** در برخی از مینیاتورها مشاهده می کنیم که زنان در حالی که شلوار به پا دارند مشغول کار هستند و دامن قبا و پیراهن خود را بالا زده اند که معمولاً شلوارها تنگ و چسبان است. (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۶۴) شاردن نیز در سفرنامه اش می نویسد: شلوار زنان از شلوار مردان تنگ تر و بلندتر می باشد. همچنین پارچه ای که از آن شلوار را می دوزند ضخیم تر است زیرا زنان جوراب نمی پوشند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۰۵)

**دستمال سه گوش یا لچک:** پارچه ای زربفت و ابریشمی سه گوش و کوچک و سنبوسه مانند بود که کاملاً موها را می پوشانید؛ و در بیش تر مینیاتورها دیده می شود که بر روی این دستمال سه گوش و یا زیر آن کلاهک هایی می گذاشتند. ( غیبی، ۱۳۸۵: ۴۶۹)

**سربند:** تفاوت عمده پوشاک مردان با زنان در سربند می باشد که عبارت بود از: سر را با تورهای ظریفی می پوشانند که اغلب به منظور جذابیت بیشتر، تا کرده یا آهار می زدند، یا آنکه در زیر چانه گره می خورد. طول تورها تا شانه می رسید یا روی سینه را کاملاً می پوشانید. که آن را با استفاده از گل سینه یا سنجاق به کلاه متصل کرده و یا به وسیله یک تکه بافته باریک سر جای خود قرار می گرفتند. (سودآور، ۱۳۸۳: ۲۰۱)

**کلاه:** خانم ها کلاه پارچه ای زربفت ظریفی را که با طلا آن را حاشیه دوزی کرده اند بر سر می گذارند و شال ظریفی را که حاشیه آن در کمال زیبایی گلدوزی شده است دور کلاه می پیچند، قسمتی از این شال به پشت سر تا کمرشان آویزان می شود. که در وقت راه رفتن بالا و پایین می رفت و به وضع جالبی تکان می خورد. (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۲۲-۱۲۴) کاری در سفر نامه خود می نویسد که: دختران و زنان جوان نوار پارچه ای از پشت سر آویزان می کنند که به کیسه ای مخملی منتهی می شود و گیسوان خود را درون آن کیسه جا می دهند و روی دوش می اندازند. (کاری، ۱۳۴۸: ۱۳۶)

**پیشانی بند:** این نوار از پارچه ای نازک و ظریف و سنگین بهاست، که آن را با قلاب دوزی و جواهر زینت می دهند این تزیینات به نسبت دارایی و تمکن افراد کم یا زیاد می شود به نظر من این زیورها باقیمانده آثار نیم تاجی است که شهبانوهای ایران در زمان باستان بر سر می نهاده اند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۰۷)

**روسری:** شاردن در سفرنامه اش می نویسد: زنان سر خود را کاملاً می پوشانند و روی آن پارچه ای می اندازند که روی شانه هایشان می افتد، و از جلو، گردن، گلو و سینه شان را می پوشاند. که آن را روسری می نامند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۰۵)

شاردن پوشش دوم **مقنعه**، را اینگونه توصیف می کند: پوششی ابریشمی و سه گوشه است؛ که میانش را روی سر می اندازند و وسط آن را زیر چانه به نوعی گره می زنند که روی سینه را بپوشاند و پشت سر را مستور بدارد. (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۵۶) بعضی از زیر کلاه مقنعه ای ابریشمی به طرف پشت آویخته دارند که بر حسن و زیبایی آنها می افزاید و گیسوان شان بافته و روی شانه می ریزد. (حجازی، ۱۳۸۱: ۵۲۳)

شاردن پوشش سوم و **چهارم چادر و روبنده** را اینگونه توصیف می کند: زنان در هنگام بیرون رفتن از خانه چادر ابریشمی سفید یا بنفش بلندی که فقط چشم ها از پشت آن پیداست به سر می کنند که سراسر اندام را از سر تا پا می پوشاند. (شهبهانی، ۱۳۷۴: ۱۳۹) از انواع جدید تر چادر می توان از نوعی کیسه مانند که در بالا گره می خورد نام برد. (متین، ۱۳۹۱: ۴۹) **روبنده** چیزی شبیه دستمال است که صورت را می پوشاند و روی شقیقه بسته می شود. روی این روبنده آنجا که چشم است پارچه مشبک دستباف یا توری قرار دارد که شبکه هایی برای دیدن روی آن تعبیه شده است که فقط چشم ها از پشت آن پیداست. (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۵۶)

**جوراب و نیم چکمه پارچه ای:** شاردن جوراب ایرانیان زمان صفویه را این گونه توصیف می کند: «جوراب ها پشمینه است و چنانکه گویند سر راست (یکسره) می باشد، یعنی به مانند کیسه ای برش یافته و رعایت ترکیب ساق پا نشده است. ساقه ها فقط به زانوان می رسد و در زیر زانو آن را می بندند. به پاشنه جوراب قطعه چرم قرمزی که با دقت بسیار تعبیه می شود، می دوزند.» (دادور، پورکازمی، ۱۳۸۸: ۳۹) غیبی به نقل از کاتف می نویسد: زنان جوراب های ساقه بلند ماهوت رنگی و کفش به پا دارند ولی برخی از زنان جوراب های مخملی ساقه بلند می پوشند. (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۷۲) جوراب های زنان خیلی گشاد و از پارچه های پشمی یا زربفت و با سنگ های قیمتی تزیین می شوند. (راوندی، ۱۳۵۷: ۱۰۰)

**ساغری یا تیماج:** تاورنیه می نویسد: «کفش ایرانیان "اعم از مرد و زن" ساغری یا تیماج است و که شبیه کفش های راحتی زنان ما با نعلی کوچک در پاشنه آن است، زیرا کفش آنها یک پارچه است و چنانکه گفته ام بند ندارد و به پا نمی چسبد، زیرا آنها باید پیوسته کفش را از پا در می آورند تا روی قالی ها راه بروند.» (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۹۶-۲۹۷) **کفش های چرمی:** فیگوئروا در سفرنامه اش می نویسد: «مرد و زن کفش های چرمی با جنس بسیار سخت و سفت و با رویه های کوتاه می پوشند، به طوریکه همچون کفش سرپایی داخل منزل، پوشیدن و درآوردن آنها بسیار آسان است. با اینکه غالب کفش ها نوک باریک اند و قسمت جلو آنها از عقب بلندتر است، میخ های ریز بسیاری به تخت آنها زده شده است.» (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۵۷)

**چکمه کوتاه و چکمه ساق بلند:** گاهی زنان چکمه های کوتاه زربفت یا مخمل حاشیه دوزی شده می پوشیدند که ۸ تا ۱۰ سانتی متر بالای قوزک پا قرار می گرفت. (سودآور، ۱۳۸۳: ۲۰۸) سانسون نیز در سفرنامه اش از پوتین های ساقه بلندی نام برده که، زنان در زمستان می پوشند که لبه های آن را زینت می کنند. (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۲۴)

### پارچه های لباس زنان قاجار:

**پیراهن:** سرهنگ گاسپار دروویل که در شروع دوره اول قاجاریه به ایران مسافرت کرده بود درباره پوشاک بانوان می نویسد: پیراهن بانوان ایرانی بمانند پیراهن شوهرانشان بسیار کوتاه و بدون یقه و سینه باز است. که با دگمه ای زرین و مروارید نشان به گردن بسته می شود. پارچه ی پیراهن را از ابریشم ظریف گلدوزی شده انتخاب می کنند. (دروویل، ۱۳۸۹: ۶۰) پولاک نیز می نویسد: «پیراهن عبارت است از پارچه ای نازک حریر و ابریشمین به رنگ صورتی یا آبی گلدوزی شده با حاشیه های طلایی است؛ و از زیر لباس بخوبی پستان ها نمایان است و چون فقط تا ناف می رسد شکم برهنه و نپوشیده می ماند. شکم بند کوتاهی از شال، ابریشم یا زری که به تن چسبیده و جلو آن باز است تا تهیگاه می رسد. (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۱۶) پیراهن زنان در دوره سوم مانند سابق تنگ و کوتاه بود و آن را معمولاً از پارچه ی «گاز» یا «ململ سفید» که زر دوزی و یا نقده دوزی می شد، می دوختند. (ذکاء، ۱۳۳۶: ۱۷) در اواخر دوره قاجار پیراهن زنان بلند و یک قطعه شده بود که بلندی دامن آن ها برحسب مد روز تغییر می کرد و برای آستین های آن معمولاً از پارچه های تور، حریر و کرپ ساتین استفاده می شد. (ذکاء، ۱۳۳۶: ۳۲)

**ارخالق یا چیگن:** در اوایل دوره قاجار زن ها نیم تنه های بلندی به تن می کنند که ارخالق<sup>۴</sup> نامیده می شود جنس ارخالق ها معمولاً از اطلس پنبه دوزی شده است و آن را در زیر قبا می پوشند. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۰) ارخالق کت بلندی



بود که نصف بدن را می پوشاند و جلو آن باز و رها بود و با اینکه دگمه داشت اما غالباً برای نمودار شدن پیراهن و گردن بندها و سینه ریزها آنها را نمی انداختند و دارای سر دست های مثلثی یا گلابی شکل بود که «سنبوسه» نامیده می شد. معمولا متن داخل سنبوسه را از پارچه ای پر قیمت تر از پارچه اصل ارخالق انتخاب می کردند و اطراف آن را یراق و گلابتون دوزی کرده بر روی ساعد بر می گردانیدند. گاهی نیز آن را رها می ساختند که از آرنج به طور آزاد آویزان می شد. که دور تا دور آن یراق و گلابتون دوزی بود و هرچه یراق پهن تر بود مجلل تر محسوب می شد. (ذکا، ۱۳۳۶: ۷-۱۷) در دوره ی سوم نیم تنه هایی با آستین ساده و یقه برگردان یا عربی و بسته، رایج شد که از جنس مخمل و ترمه بود. که اغلب جلوی لباس را با نوارهای باریک حریر و قسمت مچی آستین را با حاشیه پهنی قیطان دوزی می کردند.

**شنل:** در دوره سوم زنان به غیر از نیم تنه ها گاه بر روی لباس های خود از شنل های کوتاه آستر داری استفاده می کردند. این شنل ها توسط بندی در قسمت جلو بسته می شد. که اغلب از جنس مخمل و با یراق دوزی و سکه دوزی تزئین شده بودند.

**کلیجه یا چاپگین:** از انواع لباس رو است که یقه ندارد و جلو باز است؛ در ابتدا بلندی آن تا مچ پا حتی روی کفش می رسید و رفته رفته دامن آن کوتاه تر شد به طوری که به نیم تنه ای تبدیل شده بود این بالاپوش " فقط به وسیله دکمه بسته می شود؛ لباسی که جیب های بزرگ دارد کمر را خیلی بیش از واقع بزرگ جلوه می دهد". (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۳) لباس مزبور را از پارچه های زربفت گرانبها با حاشیه و گلدوزی های زیبا تهیه می کردند.

**قبا:** در این دوران زنان قبا های بلندی بر روی لباس های خود می پوشیدند که یقه نداشت و جلوی آن باز و رها بود و معمولا در دو نوع آستین کوتاه و بلند پوشیده می شد. در دو طرف قبا، پایین تر از کمر چاک طویلی داشت. که معمولا دور تا دور چاک و جلوی لباس، لبه های آستین، یراق دوزی می شد. جنس قباها معمولا از مخمل و ترمه استفاده می شد.

**کت کوتاه:** زنان معمولا بر روی پیراهن های آستین کوتاه خود کت های کوتاهی از جنس ابریشم و تافته با لبه های منحنی می پوشیدند که معمولا آستین های بلندی داشت.

**کت بلند یا سرداری:** در اواخر دوره قاجار زنان علاوه بر کت های کوتاه، کت های مخملی بلندی نیز به تن می کردند، که در واقع تقلیدی از کت های بلند اروپایی (فراک) بوده است و چین های فراوانی در قسمت کمر داشته است. (مجموعه گردآوری شده توسط موزه متروپولیتین)

**جلیقه:** زنان اعیان علاوه بر کت و ارخالق از جلیقه های مخملی استفاده می کردند که معمولا یقه های گرد و هفت داشت. داخل لباس آستر دوزی می شد و روی آن را با یراق دوزی تزئین می کردند.

**شال کمر:** دور کمر زنان با شال بلند سفید یا قرمز که لبه های پایینی آن طرح های منحنی شکل شبیه به بوته های بزرگ بوده اند پوشیده بوده است. (Warden, baker, 2010: 33)

**کمربند:** کمربندهای مرصع به جواهر در اوایل دوره قاجار بیشتر مورد استفاده بانوان اعیان قرار می گرفت. این کمربندهای گرانبها در قسمت جلو به قلاب یا گل کمر از طلا یا نقره که جواهر نشان بود منتهی می شد. (نجمی، ۱۳۸۶: ۱۶۹)

**دامن:** یکی از تن پوش هایی بود که در دوره ی قاجار از اهمیت خاصی برخوردار بود. در اوایل دوره قاجار زنان مانند مردان شلوار گشادی و بلندی به پا می کردند و روی آن دامن گشاد و نسبه بلندی می پوشیدند که طول آن تا وسط ساق پا می رسید و به این طریق همیشه مقداری از شلوار و لبه آن پیدا بود و گاهی نیز دامن نپوشیده دامن پیراهن را بلندتر می گرفتند که تا نزدیک زانو یا کمی بالاتر از آن می رسید و این طرز مخصوص زنان و دختران جوان و رقاصه ها بود. (ذکاء، ۱۳۳۶: ۷-۸) در دوره ی دوم: دامن زنان بسیار بلند بود، حتی در مدت کوتاهی بلندتر از دامن زنان در دوره زندیه گردید بطوریکه لبه دامن بر روی زمین کشیده می شد. و چون بلندی دامن مانع از ظاهر شدن شلوار می گردید. از این رو در این زمان شلوار اهمیت خود را از دست داد و دهانه اش تنگ تر و زینتش کمتر شده بود. دامن را معمولا بلند و دایره ای (کلوش) و فنر دار بود و حاشیه پایین آن را با پیراق و گلابتون زینت می دادند. قسمت بالای دامن را عموماً با کمری از پوست که روی آن با پارچه ابریشم گلدوزی شده بود می پوشانند (ذکا، ۱۳۳۶: ۱۲) از اواخر دوران پادشاهی ناصرالدین شاه تحول چشمگیری بوجود آمد و آن تبدیل دامن های بلند به تنبان و شلیته بود. ناصرالدین شاه در سفر اروپا هنگامی که در مسکو در تماشاخانه ی «کارولین» رقص و لباس های باله و بالرین را که شلوار کشفافه ای چسبان و نازکی بر پا کرده و زیر جامه ی چتری بسیار کوتاهی به عرض چند و جب روی آن پوشیده روی انگشتان و با نوای موزیک می رقصیدند، برای نخستین بار مشاهده نمود سخت فریفته ی آن گردید و چون از سفر اروپا مراجعت نمود هوس کرد که زن های حرم خود را به این لباس در آورد؛ این امر فوراً به موقع اجرا گذاشته شد و چون لباس خانم های آن زمان همیشه از اندرون شاه سرچشمه می گرفت تقلید می شد از این رو این لباس جدید نیز ابتدا میان شاهزاده خانم ها و زن های اعیان و سپس بین سایرین معمول گردید. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۸۷)

**تنبان:** لباس پایین تنه یا زیر جامه زنان را «تنبان» می نامیدند و معمولا جنس آن از زری، مخمل، ترمه، تافته، تور، نقده دوزی شده آستر دار بود و برای دوختن آن پارچه ای کم و بیش به عرض سه و جب و به طول چهار ذرع را آستر دوخته و از سمت بالا لیفه می گذاشتند و بند تنبان که یک نوار باریک و بلندی بود از میان لیفه می گذراندند و از وسط نیز دو قسمت یا دو لنگه ی آن را، به طور مثلثی شکل به هم متصل می ساختند و چون آن را می پوشیدند، بند را جلو کشیده، کیس و چین های زیادی به تنبان می دادند و سپس آن را گره زده محکم می کردند که تنبان را نگه دارد. (یاوری، ۱۳۸۹: ۸۴-۸۵)

**شلیته:** شلیته دامن کوتاهی بود که از زیر تنبان های پنبه دوزی شده ی آهاردار پوشیده می شد و بر خلاف تنبان وسط آن باز بود و لبه ی آن را برخی با نخ قرقره مشکی دست دوزی می کردند تا هنگامی که گوشه و لبه های آن از زیر تنبان نمایان می شده نمای زیبایی داشته باشد، در اواخر دوره سوم که تنبان منسوخ شد شلیته جای آن را گرفت و با شلوار مشکی پوشیده می شد. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۸۸) مری شیل در خاطراتش می نویسد: مادر شاه شلیته زربفتی در بر داشت که خیلی گشاد و هر لنگه اش حتی از دامن های اروپایی نیز فراخ تر است (مری شیل، ۱۳۶۸: ۷۲)

**چادر کمری:** چادر کمری یا چادر نماز در عهد ناصرالدین شاه مرسوم شد که عبارت بود از: پارچه ای به شکل نیم دایره بود که آن را با دکمه یا سنجاق روی کمر می بستند. (ذکاء، ۱۳۳۶: ۲۲) چادر نماز از جنس پارچه نیم تنه می باشد و جای زیر جامه بلند قدیمی و تنبان کوتاه معمول شد. خانم ها از زری و مخمل و ترمه کشمیری و فاستونی های فرنگ، نیم تنه و چادر نماز هائی داشتند. (مستوفی، ۱۳۸۸: ۵۱۱)

**شلوار:** در دوره ی اول شلوار زنان گشاد و از پارچه های راه راه بود که به طور مورب دوخته می شد ولی لبه آن را از پارچه دیگر انتخاب می کردند. (ذکاء، ۱۳۳۶: ۸) شلوار معمولاً از پارچه های زری یا ابریشم دوخته شده غالباً با مروارید هائی تزیین می شود. (دروویل، ۱۳۸۹: ۶۱) در دوره ی دوم تا اواسط دوره ی ناصرالدین شاه، زیر دامن های بلند یا پاپین های زنانه که دنباله ی همان دامن های دوره ی زندیه بود پوشیده می شد و چون دامن از شلوارها بلند بود شلوار دیده نمی شد. از این رو پاچه های گشاد شلوارها تنگ شد و به طور کلی اهمیت چندانی نداشت. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۲) در اواخر دوره سوم یک تاجر فرانسوی به نام «مسیو پیلو» با زنش به تهران آمد و چیزهای تازه با خود آورد و مد اندرون با وارد شدن این اجناس جدید تغییراتی یافت. از جمله: شلوارهای کشی و بافته ی سفید که از تنگی به ساق پا می چسبید و برای پوشانیدن ران و ساق پا معمول گردید، که آن را «تنکه تنبان» می نامیدند. (ذکاء، ۱۳۳۶: ۱۹-۲۰-۳۲)

**پیشانی بند:** در دوره قاجار زنان تهرانی در داخل خانه هم روسری بر سر داشتند و گاه زیر آن قطعه ای پارچه برای پوشانیدن پیشانی استفاده می کردند. (شهبهانی، ۱۳۷۴: ۱۵۳)

**کلاهک یا توری:** در دوره ی اول پوشش سر عبارت بود از: تور نازک همراه با کلاهک یا عرقچین مزین به انواع جواهر و این پوشش تا دوره ی فتحعلی شاه ادامه داشت. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۴)

**چارقده:** در دوره ی دوم هنوز به سر کردن چادر نماز و چارقده معمول نشده بود بلکه مانند دوره قبل توری و کلاهک زینت سر بود. برخی نیز شال کشمیری و پارچه های نازک قیمتی را به اشکال گوناگون بر سر خود می بستند و دنبال آن را مانند توری از پشت سر رها می ساختند. (ذکاء، ۱۳۳۶: ۱۲-۱۳) در دوره ی سوم زنان پارچه گاز سفید آهار زده ای بر سر دارند که بی شباهت به باشلق کشیشان نیست و آن را چارقده می گویند. (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۸۹) چارقده ها معمولاً از پارچه های زری، گارس و مشمش تهیه می شد. (راوندی، ۱۳۵۷: ۱۱۷)

**کلاه:** در دوره سوم خانم ها گاهی در میهمانی های خانوادگی و زنانه کلاه بر سر می گذاشتند که عبارت بود از: یک مقوا و یا پارچه آهار زده که روی آن را یا اطلس یا مخمل و زری می پوشانند. (تاجبخش، ۱۳۸۰: ۸۵۷) جنس این کلاه برای زنان اعیان از ترمه و گاهی جواهر نیز به آن نصب می کردند (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۶۶)

**چادر:** روپوش بسیار گشادی است که به صورت کلوش و یا مربع بریده می شد و تمام بدن "از سر تا پا" را می پوشاند. زنان ایرانی در هنگام خروج از خانه باید چادر به سر کنند. (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۱۵) که معمولاً از پارچه های ابریشمی، پشمی، تافته، اطلس، و در رنگ های سیاه و نیلی پر رنگ تهیه می شد. (کازمی، ۱۳۸۸: ۱۱۶) که انواع گوناگون داشت عبارت بود از:

**چادر نماز چیت و کرباس یا مخمل و اطلس:** این نوع چادر پارچه نیم دایره چرخه یا مربعی بود که، در خانه به سر می کردند و اکنون هم استفاده می شود. (ذکاء، ۱۳۳۶: ۲۳)

**چادر سیاه:** چادر سیاه یا بنفش ریشه دار یا ابریشمی که در یزد بافته می شد، بسیار بادوام بوده و زنان اشرافی دوره قاجار اطراف این چادرهای سیاه را با گلابتون دوزی و حاشیه نقره ای تزیین می کردند و بعد این کار منسوخ شد و به جای آن حاشیه دستباف سر خود به رنگ های آبی، قهوه ای، سفید به عرض دو انگشت در اطراف چادر مشکی معمول شد. گاهی نیز چادرهای عبایی از شهر بغداد به ایران وارد می کرده اند که بسیار گرانبها بود و به زنان اعیان و اشراف اختصاص داشت. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۸)

**روبنده:** زنان به وسیله ی پارچه ای از کتان سفید به پهنای شصت تا هفتاد سانتی متر صورت را تا قسمتی از جلوی سینه را می پوشانند که روبنده نامیده می شد. (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۱۷-۴۱۵) که عبارت بود از: پارچه نخی چهار گوشه که با دو قلاب کوچک در بالای پیشانی به دستار می چسبید. در میان روبنده شکاف افقی درازی باز کرده و آن را توری دوزی می کنند. (دروویل، ۱۳۸۹: ۶۲)

**پیچه یا نقاب:** در اواخر دوره ی قاجار روبنده منسوخ شده و به جای آن پیچه یا نقاب که به طور مشبک و از مو تهیه می شد رواج یافت که همراه با چادر مشکی استفاده می شد. (غیبی، ۱۳۸۵: ۶۰۱)

**جوراب:** زنان در فصل زمستان با جورابی سفید رنگ پاها را می پوشانند و در تابستان در اندرون با پاهای برهنه راه می روند. (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۱۸۷) در آن هنگام پوشیدن جوراب ساقه بلند ماشینی معمول نبود همه جوراب سفید دستباف با ساقه حاشیه مشکی در پا می کردند و چنانکه گذشت در این اواخر جوراب سفید بی حاشیه را بر روی شلوار کشی می کشیدند که یک تکه به نظر می رسید. (ذکاء، ۱۳۳۶: ۲۰)

**چاقچور:** زنان هنگام خروج از منزل زیر چادر یک نوع شلوار می پوشیدند، که شبیه نوعی کفش است که از پنجه تا ساق پا را دقیقاً در بر می گیرد و از پارچه ی پنبه ای یا ابریشمی است. (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۱۵) رنگ چاقچور را معمولاً بنفش و آبی و سینه کفتری انتخاب می کردند و زنان سیده چاقچور سبز می پوشیدند ولی چاقچور سیاه مجلل تر و متین تر محسوب می شد و گاهی نیز آن را از «خارا»، «قناویز»، «مخمل» می دوختند. (ذکاء، ۱۳۳۶: ۲۵)

**کفش های ساغری نوک برگشته:** در ابتدای حکومت قاجار تا زمان سفر ناصرالدین شاه به اروپا زنان همان کفش های «نعلین، کفش های ساغری نوک برگشته» به رنگ سبز و قرمز و آبی استفاده می کردند. (شریعت پناهی، ۱۳۷۲: ۱۵۳) ولی سپس در تهران چند مغازه دار زرتشتی و ارمنی شروع به تجارت اروپائی کردند که از جمله آنها کفش های "قنداره" است.

**کفش قنداره:** کفش چرمی سیاه و براق کوچکی بود خانم های اعیان و شیک از اینها یا گالش های نوک تیز زنانه می پوشیدند. (شریعت پناهی، ۱۳۷۲: ۱۵۳)

**صندل:** پوشیدن صندل های چرمی و دست دوز با پاشنه سه سانتی در میان زنان و مردان متداول بوده است.

کفش های چرمی: در شهرستانها و برخی از شهرهای ایران بخصوص در اصفهان زنان کفش های چرمی بی پاشنه ای بپوشانند که کفشان محلی آنها را به رنگ های مختلف سبز و زرد و قرمز می دوزند و نوک این کفش ها برگشته است. (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۹۷)

کفش های راحتی: زنان بزرگان در اندرونی ها از کفش های راحتی به نام پاپوش استفاده می کنند که غالباً از مخمل زر دوزی شده یا مزین به مروارید ساخته می شوند و اینها نیز کوتاهند و پاشنه آنها در وسط پا قرار می گیرد. (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۲۱)

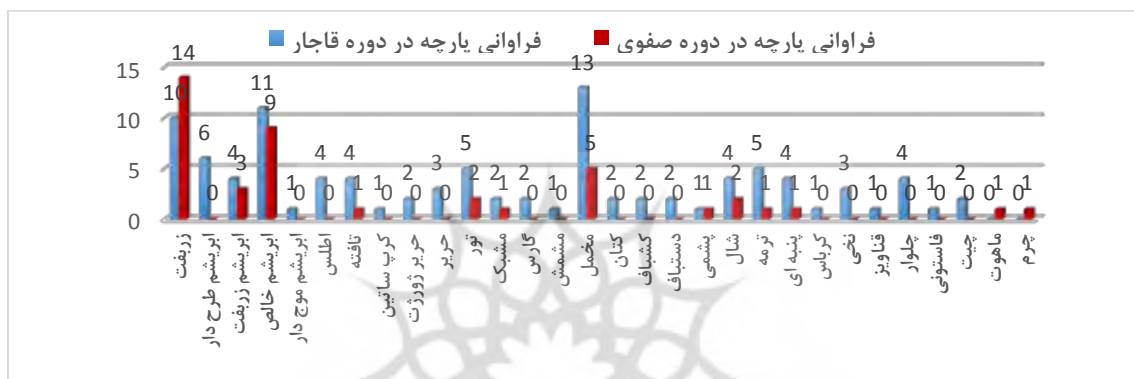
جدول ۱: تحلیل جنسیت پارچه های لباس زنان و فراوانی تعداد مشاهدات مؤلفه ها در دوره صفویه و قاجار

پارچه ها	دوره صفویه	تعداد	دوره قاجار	تعداد	جمع
زربفت	قبا، ردا، ارخالق، کلیجه، شتل، تنبان، شلوار، زیر پیراهنی، روسری، دستمال سه گوش، کلاه، جوراب، نوار پارچه ای برای چکمه، چکمه کوتاه	۱۴	ارخالق ۲، تنبان، شکم بند، شلیته، شلوار، کلیجه، پیراهن دوره ۲، چادر کمری، چارقد، کلاه	۱۰	۲۴
ابریشم طرح دار		۰	ارخالق ۱، ۲، دامن، شال کمر، دو نوع شلوار	۶	۶
ابریشم زربفت	شل، کلیجه، جوراب	۳	ارخالق ۱، ۲، کلیجه، چادر کمری	۴	۷
ابریشم خالص	زیر پیراهنی، پیراهن، شال کمر، شلوار، دستمال سه گوش، پیشانی بند، کلاه، مقنعه، چادر	۹	پیراهن دوره ۱، ۲، ۳، کت کوتاه، دامن، شکم بند، شلیته، کلاغی، چاقچور، چادر، شلوار	۱۱	۲۰
ابریشم موج دار		۰	چاقچور	۱	۱
اطلس		۰	ارخالق دوره ۱، چادر کمری، کلاه، چادر	۴	۴
تافته	پیراهن	۱	کت کوتاه، چادر، دامن، تنبان	۴	۵
کرپ ساتین		۰	پیراهن دوره ۴	۱	۱
ژورژت		۰	پیراهن دوره ۴، شلیته	۲	۲
حریر		۰	پیراهن دوره ۲، ۴، نوارهای ارخالق	۳	۳
تور	سربند، روبنده	۲	تنبان، چارقد، توری سر، پیراهن، پیشانی بند، روبنده	۵	۷
پارچه مشبک	روبنده	۱	روبنده، نقاب	۲	۳
گارس		۰	چارقد، پیراهن	۲	۲
مشمش		۰	چارقد	۱	۱
مخمل	قبا، شال کمر، کیسه نگهداری مو، جوراب، چکمه کوتاه	۵	نیم تنه، قبا، کت بلند، شال کمر، شتل، کلاه چادر کمری، جلیقه، تنبان، شلوار، چاقچور، کفش، پیراهن	۱۳	۱۸
کتان		۰	روبنده، چادر	۲	۲
کشباف		۰	شلوار، جوراب	۲	۲
دستباف		۰	روبنده، جوراب	۲	۲
پشمی	جوراب	۱	چادر	۱	۲
شال	شلوار، نیم تنه	۲	شکم بند، چارقد، ارخالق، قبا	۴	۶
ترمه	شال کمر	۱	تنبان، نیم تنه، چادر کمری، کلاه، چارقد	۵	۶
پنبه ای	جلیقه	۱	ارخالق دوره ۱، چادر، پیراهن، چاقچور	۴	۵

عنوان مقاله: مطالعه تطبیقی پارچه های مورد استفاده در لباس زنان دوره صفوی و قاجار با استفاده از نرم افزار SPSS

۱	۱	چادر	۰		کرباس
۳	۳	شلیته، چادر، روبنده	۰		نخی
۱	۱	چاقچور	۰		قناویز
۴	۴	تنبان، پیراهن، چادر، چاقچور	۰		چلوار
۱	۱	چادر کمری	۰		فاستونی
۲	۲	تنبان، چادر	۰		چیت
۱	۰		۱	جوراب	ماهوت
۱	۰		۱	قطعه ای برای کف جوراب	چرم
۱۴۳	۱۰۱		۴۲		جمع

(ترسیم نگارندگان)



نمودار ۱: توزیع فراوانی تعداد مشاهدات مؤلفه های پارچه های لباس زنان در دوره صفویه و قاجار (ترسیم نگارندگان)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

جدول ۲: آزمون فرضیات و نتایج آمار کای اسکوتر

فرضیه ۱	H0 پارچه زربفت زنان قاجار مستقل از زنان صفوی است. H1 پارچه زربفت زنان قاجار و زنان صفوی با یکدیگر رابطه دارند.
---------	---

جمع	زرiffت		دوره	نتایج آزمون نشان می دهد که از کل (۳۰ مورد) پوشاک بانوان دوره صفوی ۱۴ مورد (۴۶/۵ درصد) و از کل ۴۳ مورد (۲۳/۲ درصد) پوشاک بانوان قاجار ۱۰ مورد پارچه زرiffت مشاهده شده، که با توجه به سطح معنی داری ( $p > 0.05$ ) آزمون معنی دار تلقی نشده و فرض $H_1$ را پذیرفته و فرض $H_0$ را رد کرده و نتیجه گرفته می شود که: پارچه های زرiffت زنان قاجار و زنان صفوی با یکدیگر رابطه دارند.
	خیر	بلی		
۳۰	۱۶	۱۴	صفوی	
۴۳	۳۳	۱۰	قاجار	
۷۳	۵۰	۲۳	جمع	
سطح معنی داری	درجه آزادی	کای دو	آمار کای	
.036	1	4.389 <sup>a</sup>	اسکوئر	

فرضیه ۲  
 $H_0$  پارچه ابریشم زنان قاجار مستقل از زنان صفوی است.  
 $H_1$  پارچه ابریشم زنان قاجار و زنان صفوی با یکدیگر رابطه دارند.

جمع	ابریشم		دوره	نتایج آزمون نشان می دهد که از کل (۳۰ مورد) پوشاک بانوان دوره صفوی ۱۲ مورد (۴۰ درصد) و از کل (۴۳ مورد) پوشاک بانوان قاجار ۲۲ مورد (۵۱/۱ درصد) پارچه ابریشم مشاهده شده، که با توجه به سطح معنی داری ( $p > 0.05$ )، آزمون معنی دار تلقی نشده و فرض $H_1$ را پذیرفته و فرض $H_0$ را رد کرده و نتیجه گرفته می شود که: پارچه های ابریشم زنان قاجار و زنان صفوی با یکدیگر رابطه دارند.
	خیر	بلی		
۳۰	۱۸	۱۲	صفوی	
۴۳	۲۱	۲۲	قاجار	
۷۳	۳۹	۳۴	جمع	
سطح معنی داری	درجه آزادی	کای دو	آمار کای	
.347	1	.885 <sup>a</sup>	اسکوئر	

فرضیه ۳  
 $H_0$  پارچه مخمل زنان قاجار مستقل از زنان صفوی است.  
 $H_1$  پارچه مخمل زنان قاجار و زنان صفوی با یکدیگر رابطه دارند.

جمع	مخمل		دوره	نتایج آزمون نشان می دهد که از کل (۳۰ مورد) پوشاک بانوان دوره صفوی ۵ مورد (۱۶/۶ درصد) و از کل (۴۳ مورد) پوشاک بانوان قاجار ۱۳ مورد (۳۲/۲ درصد) پارچه مخمل مشاهده شده، که با توجه به سطح معنی داری ( $p > 0.05$ )، آزمون معنی دار تلقی نشده و فرض $H_1$ را پذیرفته و فرض $H_0$ را رد کرده و نتیجه گرفته می شود که: پارچه های مخمل زنان قاجار و زنان صفوی با یکدیگر رابطه دارند.
	خیر	بلی		
۳۰	۲۵	۵	صفوی	
۴۳	۳۰	۱۳	قاجار	
۷۳	۵۵	۱۸	جمع	
سطح معنی داری	درجه آزادی	کای دو	آمار کای	
.186	1	1.751 <sup>a</sup>	اسکوئر	

فرضیه ۴  
 $H_0$  انواع پارچه (اطلس، کرپ، ژورژت، ...) زنان قاجار مستقل از زنان صفوی است.  
 $H_1$  انواع پارچه (اطلس، کرپ، ژورژت، ...) زنان قاجار و زنان صفوی با یکدیگر رابطه دارند.

جمع	اطلس، کرپ، ژورژت، حریر، گارس، مشمش، کتان، کشباف، دستباف، کرباس، نخ، فناویز، چلوار، فاستونی، چیت، ماهوت، چرم		دوره	نتایج آزمون نشان می دهد که از کل (۳۰ مورد) پوشاک بانوان دوره صفوی ۲ مورد (۶/۶ درصد) (ماهوت، چرم) مشاهده شده که در دوره قاجار دیده نمی شود ولی از کل (۴۳ مورد) پوشاک بانوان قاجار ۳۱ مورد (۷۲ درصد) پارچه مشاهده شده، که با توجه به سطح معنی داری ( $p < 0.05$ )، معنی دار تلقی شده و فرض $H_0$ را پذیرفته و فرض $H_1$ را رد کرده و نتیجه گرفته می شود که: انواع پارچه های (اطلس، کرپ، ژورژت، ...) زنان در دوره قاجار مستقل از دوره صفوی است.
	خیر	بلی		
۳۰	۲۸	۲	صفوی	
۴۳	۱۲	۳۱	قاجار	
۷۳	۴۰	۳۳	جمع	
سطح معنی داری	درجه آزادی	کای دو	آمار کای	
.000	1	30.538 <sup>a</sup>	اسکوئر	

فرضیه ۵  
 $H_0$  انواع پارچه (تافته، تور، مشبک، پشمی، شال، ترمه، پنبه ای) زنان قاجار مستقل از زنان صفوی است.  
 $H_1$  انواع پارچه (تافته، تور، مشبک، پشمی، شال، ترمه، پنبه ای) زنان قاجار و زنان صفوی با یکدیگر رابطه دارند.

جمع	تافته، تور، مشبک، پشمی، شال، ترمه، پنبه	دوره
-----	---	------

	خیر	بلی	نتایج آزمون نشان می دهد که از کل (۳۰ مورد) پوشاک بانوان دوره صفوی ۹ مورد (۳۰٪ درصد) و از کل (۴۳ مورد) پوشاک بانوان قاجار ۲۵ مورد (۵۸٪ درصد) انواع پارچه ها مشاهده شده، که با توجه به سطح معنا داری ( $p < 0/05$ )، آزمون معنی دار تلقی شده و فرض $H_0$ را پذیرفته و فرض $H_1$ را رد کرده و نتیجه گرفته می شود که: انواع پارچه (تافته، تور، ... ) زنان قاجار مستقل از زنان صفوی است.		
۳۰	۲۱	۹	صفوی		
۴۳	۱۷	۲۵	قاجار		
۷۳	۳۷	۳۶	جمع		
سطح معنی داری		درجه آزادی	کای دو	آمار کای اسکوتر	
.013		1	6.120 <sup>a</sup>		
فرضیه ۶				$H_0$ کل پارچه های پوشاک زنان قاجار مستقل از زنان صفوی است.	
				$H_1$ کل پارچه های پوشاک زنان قاجار و زنان صفوی با یکدیگر رابطه دارند.	
جمع	تحلیل کلی		انواع پارچه		نتایج آزمون نشان می دهد که از (۴۳مورد) پارچه های مورد استفاده در پوشاک ۴۲مورد در دوره صفوی و ۱۰۱ مورد در دوره قاجار بوده است. که با توجه به سطح معنی داری ( $p < 0/05$ ) فرض $H_0$ را پذیرفته و فرض $H_1$ را رد کرده و نتیجه گرفته می شود که: کل پارچه های پوشاک زنان قاجار مستقل از زنان صفوی است.
	قاجار	صفوی	زربفت		
۲۴	۱۰	۱۴	انواع ابریشم		
۳۴	۲۲	۱۲	مخمل		
۱۸	۱۳	۵	اطلس، کرپ، ژورژت، حریر، گارس، مشمش، کتان، کشیاف، چرم دستیاف، نخی، کرباس، قناویز، چلوار، فاستونی، چیت، ماهوت		
۳۳	۳۱	۲	تافته، تور، مشبک، پشمی، شال، ترمه، پنبه ای		
۳۴	۲۵	۹	جمع		
۱۴۳	۱۰۱	۴۲			
سطح معنی داری		درجه آزادی	کای دو	آمار کای اسکوتر	
.001		4	19.084 <sup>a</sup>		
شاخصه های توصیفی پارچه های لباس زنان شامل مقادیر فراوانی					
دوره قاجار		دوره صفوی			
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۴۱/۵	۱۰	۵۸/۵	۱۴	زربفت	
۶۵٪	۲۲	۳۵٪	۱۲	انواع ابریشم	
۷۳٪	۱۳	۲۸٪	۵	مخمل	
۹۴٪	۳۱	۶٪	۲	اطلس، کرپ، ژورژت، حریر، گارس، مشمش، کتان، کشیاف، دستیاف، کرباس، نخی، قناویز، چلوار، فاستونی، چیت، ماهوت، چرم	
۷۳/۵	۲۵	۲۶/۵	۹	تافته، تور، مشبک، پشمی، شال، ترمه، پنبه ای	
۷۰/۵	۱۰۱	۲۹/۵	۴۲	تحلیل کلی پارچه های مورد استفاده بانوان	

(ترسیم نگارندگان)

### نتیجه گیری:

بررسی پارچه های مورد استفاده در لباس زنان دوره صفوی و قاجار، میزان تنوع پارچه را در پوشاک هر دو دوره نشان می دهد. با توجه به بررسی های انجام شده می توان گفت: بیشتر پارچه های مورد استفاده برای تهیه پوشاک زنان در دوره صفویه زربفت، ابریشم و ابریشم زربفت بوده است و در کنار آن ها گاهی از پارچه های پنبه ای برای آستر دوزی، مخمل، تور، شال، ترمه و پارچه پشمی استفاده می کردند. در دوره قاجار نیز همچنان استفاده از پارچه زربفت تا زمان ناصرالدین شاه در میان زنان رواج داشت اما پس از آن به علت ورود پارچه های ابریشمی پارچه های زربفت رو به رکود

عنوان مقاله: مطالعه تطبیقی پارچه های مورد استفاده در لباس زنان دوره صفوی و قاجار با استفاده از نرم افزار SPSS



می رود. به همین دلیل بیشتر پارچه های مورد استفاده زنان در این دوره عبارت بود از: انواع ابریشم خالص، زربفت، موج دار، طرح دار، مخمل به ویژه مخمل گل برجسته و قلمکار. همانطور که گفته شد با سفر های پی در پی پادشاهان به اروپا و رواج پارچه های وارداتی به کشور گرایش زنان نیز به پارچه های اروپائی زیاد شد و علاوه بر پارچه های ذکر شده از پارچه های کرپ، تافته، گارس، مشمش، فاستونی و ... نیز در پوشاک خود استفاده می کردند. با در نظر گرفتن نتایج تحلیل های آماری به دست آمده می توان گفت: با توجه به اینکه پارچه زربفت بیشترین مصرف را در دوره صفوی و پارچه مخمل و ابریشم بیشترین کاربرد را در دوره قاجار داشته اند. اما هر سه نوع این پارچه ها در دوره قاجار از دوره صفوی تاثیر پذیرفته اند. و به خاطر اینکه تعداد پارچه های مورد استفاده در لباس زنان قاجار بیشتر از پارچه های مورد استفاده در لباس زنان دوره صفوی بوده است و با توجه به درصد های موجود می توان گفت: که انواع جنسیت پارچه های مورد استفاده در دوره قاجار کاملاً مستقل از دوره صفوی است.

### پی نوشت:

<sup>۱</sup> مخمل گل برجسته: که در این فن هنرمند بافنده با مهارتی خاص و با کم و زیاد کردن و مناسب پودها حالتی برجسته نسبت به زمینه در نقوش ایجاد می کرد این بافت درخشش خاصی به نقوش می بخشید که نقوش را هر چه بیشتر نمایان می کرد.

<sup>۲</sup> مخمل موج دار: روش تهیه آن چنین بود که پس از بافت پارچه در دستگاه و پایین آوردن آن، شخصی به نام موج کار که از شاگردان بافنده محسوب می شد با دستگاهی به نام موج کاری پارچه را موج می داد. این ابزار به طول ۵۰ سانتی متر با سر پرداخت شده بود که موج کار آن را در جهاتی مشخص روی پارچه فشار می داد و می پیچاند. در اثر این عمل پرزها در نقاط مورد نظر خم می شدند و نسبت به سایر زمینه پارچه، موجی زیبا و سایه دار روی پارچه ایجاد می شد.

<sup>۳</sup> نقده: در این زمینه تارها تماماً از گلابتون و بافت به شیوه اریب است و الیاف گلابتون روی پارچه نمایان هستند. و تار دوم در این بافت به طور متناوب با تار اصلی که گلابتون است به طرف روی پارچه می آید و از زیر الیاف گلابتون می گذرد. بنابراین کاملاً نا محسوس است.

<sup>۴</sup> ارخالق: کلمه ای ترکی است، و ظاهراً از "ارخا" به معنی پشت، "لق" علامت نسبت، به معنی پشتک منسوب به پشت است.

### منابع:

- ۱- احمدی، بتول، (۱۳۶۳)، "سیری بر هنر پارچه بافی ایران: تموج حریر، تار و پود ترنج ها و نرمای نسیم"، فصلنامه هنر، شماره ۷، صص ۱۳۰-۱۳۹.
- ۲- انجمن بین المللی زنان در ایران، (۱۳۵۲)، نگار زن تاریخ مصور لباس زن در ایران، تهران، رابطان بین المللی ایران.
- ۳- پولاک، یاکوب ادوارد، (۱۳۶۸)، سفرنامه پولاک ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهاننداری، چاپ دوم، تهران، خوارزمی.

- ۴- تاجبخش، احمد، (۱۳۸۲)، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران اسلامی دوره قاجاریه، چاپ اول، شیراز، نشر نوید.
- ۵- تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۸۳)، سفرنامه تاورنیه، ترجمه حمید ارباب شیرانی، چاپ اول، تهران، انتشارات نیلوفر.
- ۶- حجازی، بنفشه، (۱۳۸۱)، ضعیفه بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی، تهران، قصیده سرا.
- ۷- دادور، ابوالقاسم، پورکاظمی، خدیجه، (۱۳۸۸)، "پای پوش ایرانیان در نگاره های دوران ایلخانی، تیموری و صفوی"، نشریه مطالعات هنر اسلامی، سال ۵، شماره ۱۰، صص ۲۳-۴۲.
- ۸- دالمانی، هانری رنه، (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه علی محمد فره وشی، مترجم همایون، چاپ اول، تهران، موسسه مطبوعاتی امیرکبیر.
- ۹- دروویل، سرهنگ گاسپار، (۱۳۸۹)، سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محیی، چاپ اول، تهران، انتشارات نیک فرجام.
- ۱۰- دلاواله، پیترو، (۱۳۷۰)، سفرنامه پیترو دلاواله: قسمت مربوط به ایران، ترجمه شعاع الدین شفاء، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۱- ذکاء، یحیی، (۱۳۳۶)، لباس زنان ایران از سده سیزدهم هجری تا امروز، تهران، اداره کل هنرهای زیبای کشور اداره موزه ها و فرهنگ عامه.
- ۱۲- راوندی، مرتضی، (۱۳۵۷)، تاریخ اجتماعی ایران، جلد هفتم، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۳- رضایی، عبدالعظیم، (۱۳۷۸)، گنجینه تاریخ ایران، صفویان، افشاریان، زندیه و قاجار، جلد ۱۲، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلس.
- ۱۴- روح فر، زهره، (۱۳۹۱)، هنر پارچه بافی در دوره قاجار، چاپ اول، تهران، انتشارات آرمان شهر.
- ۱۵- سانسون، (۱۳۴۶)، سفرنامه سانسون، ترجمه تقی تفضلی، تهران، ابن سینا.
- ۱۶- سودآور، دیبا، (۱۳۸۳)، پوشاک در ایران زمین، از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا، ترجمه پیمان متین، زیر نظر احسان یار شاطر، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
- ۱۷- شاردن، ژان، (۱۳۷۲)، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، جلد ۲، چاپ اول، تهران، نشر توس.
- ۱۸- شایسته فر، مهناز، خزائی، محمد، عبدالکریمی، شهین، (۱۳۹۳)، "بررسی جایگاه اجتماعی زنان و کودکان در دوره شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۳ق) براساس تطبیق نگاره های نسخ شاهنامه طهماسبی و هفت او رنگ جامی"، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، سال ۶، شماره ۲، صص ۱۸۹-۲۰۸.
- ۱۹- شریعت پناهی، سید حسام، (۱۳۷۲)، اروپایی ها و لباس ایرانیان، تهران، نشر قو مس، چاپ صنایع آموزشی
- ۲۰- شهشهانی، سهیلا، (۱۳۷۴)، تاریخچه پوشش سر در ایران، چاپ اول، تهران، موسسه انتشارات مدتر.
- ۲۱- شریفی مهرجردی، علی اکبر، (۱۳۹۲)، "هنر نساجی و پارچه بافی یزد در دوره درخشان صفوی"، فصلنامه چیدمان، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۰۲-۱۰۹.
- ۲۲- ضیاء پور، جلیل، (۱۳۴۶)، پوشاک زنان ایران از کهن ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی، تهران، انتشارات فرهنگ و هنر.

- ۲۳- طالب پور، فریده، (۱۳۹۰)، "نساجی در عصر قاجار: تولید و تجارت پارچه"، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیستم، شماره ۲، صص ۶۸-۸۹.
- ۲۴- طالب پور، فریده، (۱۳۹۳)، تاریخ پارچه و نساجی در ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرکب سپید، دانشگاه الزهراء.
- ۲۵- علائی، علی اکبر، (۱۳۴۸)، "پارچه های قلمکار"، مجله هنر و مردم، شماره ۸۰، صص ۴۷-۵۴.
- ۲۶- عناویان، رحیم، عناویان، ژرژ، (۱۳۸۶)، ترمه های سلطنتی ایران و کشمیر، زیر نظر تومویوکی یامانویه، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.
- ۲۷- غیبی، مهر آسا، (۱۳۸۵)، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، چاپ اول، تهران، انتشارات هیرمند.
- ۲۸- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا، (۱۳۶۳)، سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا، ترجمه غلام رضا سمیعی، چاپ اول، تهران، نشر نو.
- ۲۹- کاظمی، خدیجه، (۱۳۸۸)، آرایش و پوشش زنان از عهد مغول تا پایان دوره ی قاجار، چاپ اول، قزوین، نشر اندیشه زرین.
- ۳۰- کارری، جملی، (۱۳۴۸)، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی، عبدالعلی کارنگ، تبریز، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- ۳۱- لمبتون، آ. ک. س. (۱۳۷۵)، ایران عصر قاجار، ترجمه سیمین فصیحی، تهران، گوتنبرگ.
- ۳۲- متین، پیمان، (۱۳۹۱)، پوشاک ایرانیان، چاپ سوم، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- ۳۳- مری شیل، لیدی، (۱۳۶۸)، خاطرات لیدی شیل "همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه" ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو.
- ۳۴- مستوفی، عبدالله، (۱۳۸۸)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، جلد اول، چاپ ششم، تهران، انتشارات زوار.
- ۳۵- میر احمدی، مریم، (۱۳۷۱)، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر صفوی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۳۶- نجمی، شیرین، (۱۳۸۶)، "بررسی پوشاک و زیور آلات بانوان در دوره قاجار"، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما، ابوالقاسم دادور، تهران، دانشگاه الزهراء.
- ۳۷- یآوری، حکاک باشی، (۱۳۸۹)، مختصری درباره ی تاریخ تحولات لباس و پوشاک ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات سیمای دانش.
- ۳۸- یآوری، حسین، (۱۳۹۲)، نساجی سنتی ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات سوره مهر
- 39- Wearden, Jennifer, Baker, Patricia, (2010), *Iranian textiles*, Victoria and albert museum south Kensington, London.

## Comparative Study of the textiles used in women's clothing of Safavid and Qajar era by using SPSS software

### Abstract

One of the most brilliant periods of the textile industry has been since the beginning of the Safavid era and the best textiles have been used for the women's clothing. During this era, with the use of suitable materials that used to be produced in weaving workshops, not only the backwardness in the field of textile was reciprocated but also due to Safavid kings sponsoring artists and craftsmen made the textile weaving art became unique throughout this period the way that Iran's government was exporting a great deal of textile to European countries at that time. In the Qajar era, kings were not pricing the textile industry so much and caused the industry to lose its importance. During this period the silk export was only done in raw silk form and the silk textiles, cotton Keshmir scarf etc. have been imported from European countries to Iran. The present study aims to evaluate and compare the textiles used by women in clothing by using statistical software using descriptive and analytical method and collecting data in library form in the field of textiles in these two periods. Findings of the study suggest that: the brocade has had the most consumption during Safavid period and velvet cloth and silk have had the most application during the Qajar era. With respect to the results of the achieved statistical analysis it can be said that: all three types of these textiles in Qajar era have been affected by the Safavid era.

### Aim of the research:

1. Identifying the used textiles in women's clothing in Safavid and Qajar era.
2. Checking the amount of influential effect of the Safavid women's clothing textiles on the Qajar women's clothing textiles.

### Research questions:

1. What relation is there between the Safavid and the Qajar women clothing textiles?
2. How many wear textiles of the Qajar women's clothing and the Safavid women's clothing relate to each other?
3. How much percentage of each textile did women use in clothing?

**Keywords:** Textile, Women's clothing, Safavid, Qajar

